



### ۶ معیار عقل

امیر المؤمنین امام علی (ع):  
عقل افراد با شش چیز سنجیده می‌شود:  
صبوری در هنگام خشم، میانه‌روی در  
امور مورد علاقه، شکیبایی هنگام ترس،  
پرهیزگاری در همه حالات، مدارا کردن به  
نحوی شایسته، دوری از ستیزه‌جویی.

منبع: عُرُو الحکم و دُرُر الکلم، جلد یک،  
صفحه ۶۹



### آنجا که قرآن دشنام می‌دهد

آیت‌الله مطهری (ره):  
قرآن خیلی لحن مؤذنی دارد. دو سه جا است که قرآن  
زبان به تعبیری می‌گشاید که تقریباً نوعی دشنام  
است. یکی آنجا که بشر عقلش را، این حجت ناطق  
به قول امام کاظم (ع) را به کار نمی‌بندد. می‌گوید:  
«لَنْ شَرَّ الدُّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُقْلُونَ»  
(انفال/۲۲). بدترین جنیندها در نزد خدا چیست؟  
انسان‌هایی هستند که خدا به آنها زبان داده ولی  
لانند، گوش داده ولی نمی‌کنند، عقل داده ولی تفکر و  
تعقل ندارند.

منبع: کتاب اسلام و نیازهای زمان،  
جلد یک، صفحه ۸۵



### ۲ عامل سعادت آقا شیخ عبدالکریم حائری (ره)

آیت‌الله‌العظمی عبدالکریم حائری (ره):  
من به جایی نرسیدم، اما اگر توانسته باشم  
خدمتی به اسلام بکنم در اثر دو عمل است: اول:  
اینکه همسرم در نجف کور و پر بودم. او را کور  
می‌کردم و حتی مستراح می‌پردم. می‌پردم او را  
آن بالا روی پشت‌بام، صبح هم کوشش می‌کردم  
پایین می‌آوردم. او را کور می‌کردم در سرداب  
می‌پردم. غذا دهانش می‌گذاشتم، غذا پرارش  
می‌یختند و او هم بعضی اوقات می‌گفت: «خدا  
خیرت بدهد.» دوم: توسل.

منبع: کتاب کاشانه ابزار؛  
صفحه ۲۷



### مشاجره نکن!

آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی (نایب‌ره):  
مشاجره‌ها و نزاع‌ها، نور باطن را خاموش می‌کند.  
بسیاری از بی‌حالی‌ها و عدم نشاط‌ها به جهت  
مشاجرات است. کم‌منزلی داریم که در آن برخاسته  
و تندی نباشد. روزی چند برخاسته باشند، برکات  
می‌رود و دیگر چیزی نمی‌ماند. حتی اگر حق هم با  
تو بود، در امور جزئی و شخصی مشاجره نکن، چون  
کدورت‌آور است.

منبع: کتاب نکته‌ها از گفته‌ها؛  
دفتر اول؛ صفحه ۸۹



تذکراتی از رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، در باب دعا

# حتی بندگش خود را از خدا بخواهید

محمدصادق عبداللهی

دعا با وجود اهمیت و عمق معنایی، گاه در نزد برخی از دینداران به امری بدیهی و مقدس‌مایانه بدل می‌شود. چه بسیار شاهدیم که دعا به ورد و ترغیذی برای بر آوردن شدن حاجت یا صرف جمع کردن ثواب تقلیل می‌یابد و از این رو، آنگاه که سنت الهی اقتضا می‌کند دعایی استجاب ندهد، موجب تکبر دعاکننده فراهم می‌آید. از یادگاری‌های رهبر شهید انقلاب، آموزه‌هایی نفی در باب دعا است که روشن‌کننده طریق‌های اعلی‌ای را به ما معشوق حقیقی، حضرت حق است. رهبر شهید از نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبت و ارادت است؛ همه اینها دعا است. فلذا می‌فرمودند: «روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشناسدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها.» (۱۳۶۹/۱/۱۰). در ادامه نکاتی در باب دعا از رهبر شهید مرور شده است که امید است فهم ما را از دین تعمیق بخشد.

#### دعا مغز عبادت است

در روایت وارد شده است که دعا «مخ العباد» مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماها، روح عبادت، دعا است. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبت و ارادت است؛ همه اینها دعا است. (۱۳۴۶/۷/۲۹)

#### انسان بی‌دعا سرگشته و هدررفته است

دعا وسیله مؤمن و ملجأ مضطر و رابط انسان ضعیف با منبع فیاض علم و قدرت است و بشری را به روحی با خدا و بدون عرض نیاز به غنی بالذات، در عرصه زندگی سرگشته و درمانده و هدررفته است: «قل یا معبؤا یکم زبی لولا دعائکم» (سوره فرقان؛ آیه ۱۷). بهترین دعا آن است که از سر معرفتی عاشقانه به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد. (۱۳۶۹/۱/۱)

#### استجاب دعا، وعده قطعی الهی است

خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، آیه مبارکه «و قال ربکم ادعونی استجب لکم» (سوره غافر؛ آیه ۶۰) است، یعنی پروردگار شما فرموده که مرا دعا کنید تا استجاب کنم. ممکن است استجاب به معنای برآورده شدن ۱۰۰ درصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت اقتضای این را نکنند که خدا آن حاجت را حتماً برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده‌شدنی نیست، یا به‌زودی برآورده‌شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخش این است که خواسته شما را برآورده می‌کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی حمزه ثمالی به همین معنا اشاره می‌کند: «و لیس من صفاتک یا سیدی ان تأمر بالسؤال و تمنع العطفیه.»

امام سجاد (ع) عرض می‌کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی، اما آنچه را که خواستند به آنها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه الهی این است که اگر می‌گویند بخواهید، اراده فرموده است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده الهی است. این خیلی مهم است و باید بنندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند. این وعده قطعی الهی است، یعنی خدای متعال هر خواسته‌ای را جواب خواهد داد. این یک وعده است و البته هر وعده‌ای شرایطی دارد. (۱۳۷۷/۱۰/۴)

#### کارهای بزرگ و دشوار بی‌دعا ممکن نمی‌شود

کسی خیال نکند در زندگی ملتی که در حال سازندگی است، دعا و تضرع نقش زیادی ندارد. به‌عکس، ملتی که راه دشواری را در پیش روی خود دارد و می‌خواهد کار بزرگی را انجام دهد، در کنار کار و تلاش و مجاهدت، لازم است که باب گشاده‌ای برای دعا و توجه به پروردگار و استمداد از خداوند قرار دهد. ششما در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنید که مصومین (ع) در میدان‌های جنگ، در صحنه‌های پرخطر و در هنگام کارهای بزرگ، دست توسل و دعا باز می‌کردند. کسانی نمی‌توانند بگویند که پیغمبر و مسلمانان صدر اسلام، تلاش و کار نمی‌کردند. بالاتر از تلاش آنها دیگر تلاش وجود ندارد. در آن ۱۰ سال که پیغمبر حاکمیت جامعه اسلامی آن روز را در اختیار داشت، سال‌هایی بکسره توأم با کار و تلاش بود، اما در عین حال، با وجود آن کار و تلاش و در کنار آن، دعا و تضرع و انابه و استغفار و طلب و مستلث از پروردگار عالم هم جای خود را داشت. یک ملت اگر بخواهد در راه خود توفیق یابد، باید رابطه خود را با خدا درست و اصلاح کند. اگر بخواهد کارهای بزرگ انجام دهد باید از خدا استمداد کند. (۱۳۷۲/۲/۲۸)

#### دعا رقیب ابزارهای مادی نیست

دعا رقیب ابزارهای مادی نیست. این طور نیست که وقتی انسان می‌خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود یا با دعا برود! همچنین این

طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله‌ای به دست آورد، یا پول خرج کند یا اگر پول نداشت به دعا متوسل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما از خدا بخواهید تا او این وسایل را جور بیاورد. آن وقت علل مادی، هر کدام در جای خودشان قرار می‌گیرند. دعای مستجاب این گونه است. وقتی دعا می‌کنید که حاجتی از شما برآورده شود، اگر خدای متعال آن دعا را مستجاب کند، استجابتش این است که ابزارهای مادی و عادی و معمولی این خواسته، جور می‌شود، یعنی خدا جور می‌آورد. فرضاً شما از کسی طلبی دارید که آن کس طلب شما را نمی‌دهد، اما یک وقت به دلش می‌افتد و می‌آید طلبتان را می‌دهد. این، یک وسیله است. چه مانعی دارد که دعا این وسیله را برای انسان جور کند؟ (۱۳۷۳/۱/۲۸)

#### حتماً قرار نیست پولی برسد

اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخ‌ها همانی است که در همان لحظه به شما داده می‌شود، یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا خواسته و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می‌دهند. آن چنان نورانی‌تر در دل شما به وجود می‌آید که می‌بینید اصلاً پاسخ‌تان را همان ساعت گرفته‌اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می‌کند، گاهی احساس می‌کند که دیگر غیر از آن، هیچ چیز نمی‌خواهد. وقتی یاد پروردگار در دل انسان زنده باشد، این گونه است. (۱۳۷۶/۱/۱۴)

#### لقلقه‌های زبان مستجاب نمی‌شود

یکی از شرایط استجاب دعا این است که آن را با توجه مطرح کنیم. گاهی لقلقه زبان، جملاتی چون «خدا ما را ببامرز،» «خدا یا که ما مسعیه رزق بده» و «خدا یا قرض ما را ادا کن» است. ۱۰ سال انسان اینگونه دعا می‌کند، اصلاً مستجاب نمی‌شود. این فایده‌ای ندارد. یکی از شرایط دعا این است که فرمود: «اعلموا ان الله لا یقبل الدعاء عن قلب غافل» - «خداوند متعال، از صاحب دل غافل - دلی که متوجه نیست چه خواسته‌ای را مطرح می‌کند و یا که دارد حرف می‌زند - دعایی را قبول نمی‌کند.» معلوم است که دعایی که دارای این ویژگی‌ها باشد، مستجاب نمی‌شود. باید تضرع کنید و جدی بخواهید. باید از خدای متعال با الحاح بخواهید. باز بخواهید و باز بخواهید. (۱۳۷۳/۱/۲۸)

#### هر چه می‌خواهید و با هر زبانی از خدا بخواهید

دعا، خواندن خداست؛ حالا می‌تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد؛ هر چه که می‌خواهید یا خدا حرف بزنید؛ این دعا است. هر چه می‌خواهید یا او در میان بگذارید. البته دعاهای مأثوره از ائمه (ع) بهترین مضامین در زیباترین الفاظ و سیرشار از معارف الهی است که قدر آنها را باید دانست و باید به آنها متوسل شد. (۱۳۸۵/۷/۲۱)

#### خواسته‌های کوچک کوچک را هم از خدا بخواهید

هیچ حاجتی را آنقدر بزرگ شماریم که بگوییم: «این حاجت را دیگر نمی‌شود از خدا خواست، چون خیلی بزرگ است.» نه. اگر حاجت بر خلاف طبیعت و سنن آفرینش نیست، اگر محال نیست، هر چه هم بزرگ باشد، مسئله‌ای نیست و از خدا بخواهید. ضمناً از کوچک‌بودن خواسته هم ایا نداشته باشید. خواسته‌های کوچک کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتی بندگش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر (ع) که می‌فرماید: «لا تحقروا صغیراً من حوائجکم فان احب المؤمنین الله الی استسلمهم» - «حاجت‌های کوچک را حقیر شمارید و از خدا بخواهید. خوب؛ انسان به بندگش احتیاج دارد؛ به در مغازه می‌رود و می‌خرد. این هم دعا لازم دارد؟! بله! تا احساس کردید که به بندگش یا هر چیز دیگر به این کوچکی نیاز دارید، دل را متوجه خدا کنید و بگویید: «پروردگارا! این را هم به من برسان.» (۱۳۷۳/۱/۱۳۸)



### اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنِبْتَهُ

اولیا و علما از راهکارهای اعتلای نمازهای یومیه را آموختن اذکار و ادعیه جدید برای ذکر قنوت دانسته‌اند. در این راستا فرازهایی از دعاهای واصله از ائمه معصومین (ع) می‌تواند طعم شیرین عبادت را به نمازگزار بچشاند. در این ستون به صورت هفتگی ادعیه‌ای به اشتراک گذاشته خواهد شد.

در فراری از دعای کمیل می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ التَّقَمَّ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَغْتَرِّبُ النَّعَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُخَيِّسُ الدَّعَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنِبْتَهُ وَ كُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا» - «خدا یا! ببامرز برای من آن گناهانی را که پرده حرمت می‌برد. خدا یا! ببامرز برای من آن گناهانی را که کیفرها را فرو می‌بازند. خدا یا! ببامرز برایم گناهانی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازند. خدا یا! ببامرز برایم آن گناهانی را که دعا را بازمی‌دارند. خدا یا! ببامرز برایم گناهانی که بلا را نازل می‌کند. خدا یا! ببامرز برایم همه گناهانی را که مرتکب شدم و تمام خطاهایی که به آنها آلوده گشتم.»



### کتابی که به جای چاپ محو شد

آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (ره) فرموده‌اند: من کتابی را نوشته بودم و پیش از چاپ متوجه شدم که مرحوم فیض کاشانی نیز کتابی درباره همین موضوعی که من به آن پرداخته بودم، تألیف کرده است. از این رو به تردید افتادم که با وجود کتاب فیض آیا صلاح است که من هم کتابم را به چاپ برسانم؟ برای رفع آن تردید، روزه گرفته و به توصیه مزبور دستورالعملی برای رؤیت امامان (ع) در خواب عمل کردم و به حضرت امام صادق (ع) متوسل شدم که در خواب از حضرتش سؤال کردم که با وجود کتاب مرحوم فیض، کتابم را چاپ کنم یا نه؟ حضرت در خواب از آن حضرت سؤال کردم: «آیا کتاب من بهتر است یا تألیف فیض؟» حضرت سکوت کردند. عرض کردم: «أَمْثَلُكَ يَخِيْبُ السَّأَلُ؟» آیا همچو تویی سائل را محروم می‌کند؟! آنگاه فرمودند: «کتاب فیض بهتر است.» من هم کتابم را محو کردم.

منبع: کتاب طبیب دل‌ها (گفته‌ها و ناگفته‌ها درباره عارف کامل میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (ره))؛ صفحه ۲۱۲



### چوب فروش یا منبت‌کار؟

مرحوم میرزا اسماعیل دولابی (ره):

در بازار چوب‌فروش‌ها در هر حجره روزی چند کامیون چوب معامله می‌شود، ولی در پایان روز که سؤال کنی چقدر کاسی کرده‌اید، می‌گویند مثلاً ۱۰ هزار تومان! اما یک منبت‌کار تک‌های از آن چوب‌ها را می‌گیرد و حساسی روی آن کار می‌کند و روی آن نقش می‌اندازد و همان تکه چوب را ۱۰۰ هزار تومان یا بیشتر می‌فروشد. گاهی اوقات آنقدر نفیس می‌شود که نمی‌شود روی آن قیمت گذاشت. در اعمال عبادی هم زیاد عبادت کردن چندان ارزش ندارد، بلکه روی عمل حسابی کار کردن و آن را خوب از کار آوردن و حتی آن را ادا کردن نتیجه‌بخش است.

منبع: کتاب مصباح‌الهدی (در تکرش و روش عرفانی اهل محبت و ولاء)؛  
تألیف مهدی طیب؛ صفحه ۳۳۸



### آداب سخن گفتن

عارفه مجتهده حاجیه خاتم‌امین (ره):

ای عزیز! آداب سخنان گفتن بسیار است که علمای اخلاق در کتب خود بیان کرده‌اند؛ از جمله آنها اینک «کم حرف بزن»؛ میان حرف کسی نندود و حرف او را قطع ننماید و حکایت و خبری که می‌شنود، ولو آنکه بداند اظهار اطلاع ننماید تا سخن گوینده تمام شود و اگر از غیر او سؤالی شود، او جواب ندهد و اگر دو نفر صحبت محرمانه می‌کنند، گوش به حرف آنها ندهد و در مقابل بزرگان به کنایه حرف نزنند و در برابر آنها صدای خود را بلند نکنند و زیاد آهسته نیز حرف نزنند و هر چه خواهد بگوید اول فکر کند اگر صلاح در گفتن هست بگوید و گرنه از گفتن خودداری کند.

مسخرگی نکنند و در اثنا سخن گفتن به چشم و ابرو و دست اشاره نکنند، در مجلس مباحثه و مناظره جدال نکنند و اگر فهمید طرف حق می‌گوید، تصدیق و انصاف دهد و با هر کسی به قدر فهم وی سخن گوید و از غیبت و سخنان چینی و پنهان و دروغ گفتن اجتناب نماید و به هیچ وجه بر آن اقدام ننماید، بلکه از استماع آن نیز خودداری کند و از اهل آنها کناره جوینی کند و تا ممکن است کم حرف بزند. شنیدنش بیشتر از گفتنش باشد؛ از حکیمی پرسیدند چرا استماع تو زیادت‌تر از گفتن توست، گفت: «برای آنکه مرا دو گوش داده‌اند و یک زبان.» اشخاص بزرگو در نظر مردم بی‌وقر و کوچک می‌نمایند، زیرا هر قدر این قوه در نفس باقیمانده و خارج گردد، بر وقار و بزرگی نفس افزوده می‌شود و از نظرها بزرگ می‌نماید. فواید کم حرفی بسیار است، لکن باید دانست که مقصود حرف‌های بی‌فایده است، لکن در موقع لزوم و جایی که صلاح در گفتن است، نباید از گفتن خودداری کرد و باید آنچه صلاح می‌داند بگوید، چنانچه سعدی گفته است: «اگر چه پیش خردمند خامشی ادب است | به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی | دو چیز طیره عقل است، دم فرو بستن | به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی.»

منبع: کتاب سسر و ناز (۷۵۰ کلمه در اخلاق و سیر و سلوک الهی)؛  
صفحه ۴۶۳ و ۴۶۴